

چگونه اشیاء باستانی ایرانی سر از موزه لوور درآوردند؟

۱۷ اسفند ۱۳۹۴ ساعت ۲۰:۴۸

وقتی به محوطه تاریخی شوش می‌رسید، متوجه خواهید شد که شوش دیگر آن بهشت باستان شناسان نیست بلکه شکوه شوش را باید هزاران کیلومتر آن طرف تر در موزه لوور فرانسه تماشا کرد.

وقتی به محوطه تاریخی شوش می‌رسید، متوجه خواهید شد که شوش دیگر آن بهشت باستان شناسان نیست بلکه شکوه شوش را باید هزاران کیلومتر آن طرف تر در موزه لوور تماشا کرد. اگر بخواهیم نگاهی گذرا بر این موضوع داشته باشیم که چگونه این آثار گران مایه از موزه لوور سر در آورد و همچنین یغماگری فرانسوی‌ها در ایران را مرور کنیم، می‌توانیم بگوییم در اواسط قرن ۱۹ میلادی اولین کسانی که از طرف آکادمی هنرهای زیبای فرانسه برای مطالعه آثار باستانی وهنری به ایران سفر کردند، دو محقق به نام های پاسکال کوست و اوژن فلاندن بودند.

آن‌ها در اقامت دوساله خود در ایران آثار باستانی مناطق بسیاری در ایران از جمله فسا، پاسارگاد، نقش رستم و پرسپولیس را شناسایی و گزارش عملکردشان را به همراه عکس به ثبت رساندند.

طی نظراتی روایت شده که بعد از آن‌ها کار کاوشگری و حفاری در منطقه باستانی شوش به دست یک فرد انگلیسی به نام ویلیام کنت لافتوس افتاد که فعالیت های او در فاصله کمی از آرامگاه دانیال نبی ع (به علت تخریب اموال) با انزجار و نارضایتی مردم روبرو شد و ناتمام ماند.

فکر بردن گنجینه های باستانی شوش به پاریس حدود ۱۳۶ سال پیش توسط مارسل آگوست دیولافوا (August Marcel Dieulafoy ۱۸۴۳) مطرح شد. مطرح (۱۸۴۳) Dieulafoy

او برای اولین بار در سال ۱۸۸۱ میلادی (۱۲۶۰ هـ ش) همراه با همسرش مادام ژان دیولافوا (ژان پاول هنریت راشل) به ایران آمد تا

درباره تأثیر معماری شرق و غرب بر یکدیگر مطالعه کنند، این دو ابتدا به بررسی و شناخت منطقه پرداختند.

مادام دیولافوا مطالعات و مشاهدات اجتماعی و یافته‌های باستان‌شناسی همسرش را به صورت یادداشت‌های روزانه جمع‌آوری و در دو کتاب مجزا منتشر کرد.

آن‌ها هنگام مسافرت به خوزستان به تپه‌های بزرگ باستانی شوش پی بردند و در بازگشت به کشورشان از مدیر موزه‌های ملی فرانسه خواستند تا بودجه‌ای را برای کاوش این تپه‌ها در اختیارشان بگذارند که این خواسته پذیرفته شد و آن‌ها برای دومین بار در سال ۱۸۸۴ میلادی به ایران آمدند و با پا در میانی دکتر طولوزان پزشک فرانسوی ناصرالدین شاه قاجار، اجازه کاوش در شوش (۱۸۸۴م) را به دست آوردند.

طبق قراردادی که به امضا رسید قرار شد فلزات گران‌بهایی که کشف می‌شود متعلق به ایران باشد و سایر آثار نصف به نصف بین دو دولت تقسیم شوند.

کاوش‌های مارسل وژان از ۱۸۸۴ تا ۱۸۸۶ میلادی به طول انجامید و طی این مدت آثار کاخ‌های هخامنشی هم کشف شد، از جمله این آثار، گاو سنگی بزرگی به وزن حدود ۱۲ تن که متعلق به سرستون یکی از کاخ‌ها بود.

مادام ژان دیولافوا در خاطرات خود نوشته است: «دیروز گاو سنگی بزرگی را که در روزهای اخیر پیدا شده است را با نهایت تأسف تماشا می‌کردم در حدود ۱۲ هزار کیلو وزن دارد و تکان دادن چنین توده عظیمی غیرممکن است، بالاخره نتوانستم به خشم خود مسلط شوم پتکی به دست گرفتم و به جان حیوان سنگی افتادم. ضرباتی وحشیانه به او زدم و سرستون در نتیجه ضربات پتک مثل میوه رسیده از هم شکافت، و به این ترتیب امکان حمل قطعات کوچک به فرانسه میسر شد.

کاوش‌ها که پایان یافتنوبت به تقسیم یافته‌ها رسید، اما زوج فرانسوی مایل نبودند قرارداد خود را با دولت ایران محترم بشمارند و بدون در نظر گرفتن مفاد قرارداد وبا فریب مظفرالملک حاکم محلی دست‌نشانده ظل‌السلطان، فرزند ناصرالدین شاه، اشیا مکشوفه به صورت غیرقانونی از راه بندر بوشهر رهسپار پاریس (۱۸۸۶) و به موزه لوور منتقل شدند.

دربار قاجار که متوجه این عهد شکنی شده بودند رسماً به دولت فرانسه اعلام اعتراض نموده و دولت فرانسه از شاه ایران جهت رفع کدورت‌ها دعوت نمود تا از اشیا مکشوفه شوش در پاریس بازدید نماید. ناصرالدین شاه در آخرین سفر خود به اروپا و بازدیدش از اشیا، سرانجام از اعتراض خود صرف‌نظر نمود.

ورود آثار تاریخی ایران به پاریس انجمن علمی را مصمم ساخت که امتیاز انحصاری کاوش باستان شناسی در سراسر ایران را از دولت قاجار بگیرد. باکشته شدن ناصرالدین شاه و گلایه دیولافوا از بدی شرایطشان در ایران که خشم دولت ایران را در پی داشت، منجر به وقفه در کاوش گردید و پس از متوقف شدن حفاریات، مارسل و راشل مشغول به نوشتن گزارش کار خود شدند.

در سال ۱۸۹۵ به روزگار سلطنت مظفرالدین شاه، امتیاز تکمیلی دیگری مشابه به مفاد همان قرار داد سال ۱۸۸۴ به فرانسوی ها واگذار شد.

سرپرست کاوش های بعدی در شوش فردی به نام ژاک ژان ماری دمورگان (Demorgan Marie Jean Jacques)، زمین شناس، متخصص و مهندس معدن باستان شناس و محقق فرانسوی دوران ما قبل از تاریخ، که مسئولیت هیأت علمی اعزامی فرانسه در ایران را به مدت پانزده سال برعهده داشت.

شوش مرکز استراتژیک هیأت اعزامی بود. دمورگان برای این که هیأت فرانسوی را از آسیب و ناملایمات محیط که دیولافوا را آزار داده بود حفظ کند، بر روی تپه ای مشرف به آرامگاه دانیال نبی(ع) قلعه بزرگی به سبک معماری قرون وسطایی (به نام شاتو) برای اسکان باستان شناسان و نگهداری موقت آثار بنا کرد که آسیب فراوانی به آثار تاریخی شوش زد، او در ساخت قلعه از آجرهای کتیبه دار بازمانده معابد و بناهای عیلامی و هخامنشی به عنوان مصالح ساختمانی استفاده کرد. در نقد کاوش های دمورگان می توان گفت وی بیشتر دغدغه به دست آوردن اشیاء را داشته تا کاوش های علمی، وی اهمیتی به لایه نگاری نمی داد، به همین دلیل اطلاعات زیادی ناپود شد.

دمورگان در بازگشت به فرانسه تعداد زیادی از اشیاء مکشوفه را با خود به کشورش برد، که می توان به مواردی از آن ها اشاره کرد: از جمله مهم ترین و گران بها ترین این آثار، تندیس بزرگ و برنزی ناپیراسو ملکه عیلام، با ۱۸۰۰ کیلوگرم وزن و بیش از ۳ هزار سال قدمت و همچنین منشور حمورابی (فرمانروای بابل) بزرگترین نشان تمدن میان رودان (بین النهرین)، را می توان نام برد.

طی مدت ۳۲ سال کاوش فرانسویان در شوش هزاران اثر تاریخی دیگر این شهر به فرانسه منتقل شد. کم کم کشف و خروج این آثار اعتراض روشنفکران آن دوره را برانگیخت و عاقبت در سال ۱۹۲۷ میلادی، امتیاز کاوش باستان شناسان فرانسوی توسط مجلس شورای ملی ایران لغو شد، در حالی که گنجینه شوش در پرتو خودبزرگی عصر قاجار سخاوتمندانه تقدیم فرانسویان و تالارهای لوور مملو از آثار کهن ایرانی شد، آثاری که موزه لوور بدون آن ها درجه ای از اهمیت و اعتبار را نخواهد داشت.

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۲۷۹۹/چگونه-باستان-اشياء-چگونه-در-آوردند-لوور-موزه-سیر-ایران-باستان-اشياء-چگونه>